خصوصی سازی و سرمایه گذاری در نیروی انسانی جهت افزایش کارائی

روان، بهرام

هدف اصلی از خصوصی‏سازی‏ موسسات،اعم از صنعتی یا بازرگانی‏ و غیره،افزایش کارآئی و تخصص‏ و بازدهی و پیشرفت تکنولوژی و سپردن‏ کارها به دست افراد توام با عدالت است که‏ خود حاکم بر سرنوشت خود باشند و به جای‏ اتکاء به دولت به کار و کوشش خود تکیه‏ کنند و بدین وسیله تعیین‏کننده خطمشی‏ دولت بشوند.

انقلاب اسلامی ایران در مرحله اول‏ یک انقلاب فرهنگی و بعد در سایه آن‏ یک انقلاب اجتماعی بوده است که‏ گسترش عدالت پایه اصلی آنست. تحصیل عدالت نه تنها با افزایش‏ خلاقیت و اعتماد به نفس و کسب ثروت‏ مغایرتی ندارد،بلکه زمینه‏ساز آنست.در حقیقت چیزی برای توزیع بین مردم باید وجود داشته باشد تا عدالت مفهوم پیدا کند.به همین منظور،کارخانجات ملی‏ شدند تا از تکاثر ثروت‏های غیرمشروع‏ جلوگیری به عمل آید و نه اینکه مجوزی‏ برای تحمیل نیروی انسانی بیش از نیاز(ولو به ضرورت)به این واحدها در دست مقامات بیفتد که فقط با قرار گرفتن‏ زیر چتر دولت و یا نهادهای وابسته به‏ دولت و استفاده از انحصار بلامنارع بتوانند به کارشان ادامه دهند.درست نیست که‏ صنعتی را به عنوان کمک به خانواده‏های‏ کم درآمد بدین طریق تضعیف و یا معدوم‏ کنیم.کارگرانی که این‏چنین جذب این‏ واحدها می‏شوند باید بدانند که ادامه این‏ وضع مساویست با از دست دادن کارآئی‏ و حسن خلاقیت که نه به صلاح آنهاست‏ و نه به صلاح مملکتی که به خاطرش‏ تلاش می‏کنند.در حقیت این روش‏ کشتن مرغی است که تخم طلائی(که‏ همان خلاقیت و کارآئی است)می‏کند و نهایتا به تدریج از عدالت اجتماعی هم‏ دور می‏شود.

در حال حاضر،ما در بسیاری از صنایع دولتی و یا ملی شده با این وضع‏ یعنی نیروی انسانی بیش از نیاز مواجه‏ هستیم که موجب افزایش بیش از حد قیمت محصولات این‏گونه کارخانجات‏ و غیرقابل رقابت بودن محصولات آنها در بازارهای جهانی شده است.همزمان با آن کیفیت فرآوردها به وضع وحشتناکی‏ تنزل کرده است.که مجموعا نشانگر ضعف مدیریت،تنزل وجدان کاری‏ و کارآئی است.موارد زیر شاهد بر این‏ مدعا است.

چندی پیش یکی از همکاران‏ خودروئی را که دو سال قبل برای آن ثبت‏ نام کرده بود دریافت داشت و بلافاصله‏ متوجه شد که برف پاک کن و کیلو متر شمار و بالابر شیشه طرف مسافر خودرو هیچکدام کار نمی‏کند.به توصیه موسسه‏ سازنده بالاخره به یکی از تعمیرگاههای‏ مجاز مراجعه می‏کند.به وی گفته می‏شود که باید خودرو را 10 روز در آنجا بگذارد تا تعمیر شود.در پاسخ به اعتراض نامبرده، مدیر موسسه حدود بیست خودرو مشابه را به وی نشان می‏دهد و می‏گوید که ببینید اینها همه همدرد شما هستند به کارخانه‏ بروید و اعتراض کنید.

دیگری به موسسه‏ای جهت خرید دو عدد پنکه مراجعه می‏کند وقتی هر دو را که داخل جعبه بودند به منزل می‏برد متوجه‏ می‏شود که توری حفاظ پروانه‏های‏ رویهم جفت نمی‏شود.با کمی دقت‏ متوجه می‏شود که سوراخهائی که باید میخهای صفحه روئی در آن جای گیرد در صفحه زیرین اصلا وجود ندارد با مراجعه‏ مجدد به فروشگاه آنرا پس می‏دهد و جایگزینی دریافت می‏کند ولی جایگزین‏ هم ظاهرا همین اشکال را داشته است. سرانجام یک پنکه بدون اشکال پیدا می‏کند و با خود می‏برد،ضمنا مسئول‏ فروشگاه به وی می‏گوید اینها کالاهای‏ صادراتی است.

واضح است که چنین صنعتی نه قادر به استفاده مطلوب از نیروی انسانی است‏ و نه محصولات و نه تولیدات آن می‏تواند در عرصه بین الملل عرض اندام کند.

ضعف مدیریت در هر دو مورد کاملا آشکار است.

تا اینجا ما به ذکر نواقص پررداخته‏ایم‏ و این کار آسانی است.چاره چیست؟به‏ نظر می‏رسد استفاده از تجربیات مفید دیگران راه مناسبی باشد.برای مثال، راهی را که کشور رومانی در موارد مشابه‏ در پیش گرفته شاید بد نباشد مورد بررسی قرار دهیم(منبع:بولتن شماره 7 وزارت امور خارجه)اخیرا تعدادی از کارخانجات در رومانی که در بین آنها دو پالایشگاه بزرگ وجود داشت به علت عدم‏ کارآئی و ضعف مدیریت تعطیل شد.

تمامی نیروی انسانی این‏ کارخانجات تحت پوشش تامین‏ اجتماعی قرار گرفت که ضمن پرداختن‏ بیمه بیکاری،آموزش کافی به آنها داده‏ شود تا بتوانند با شرایط کاری جدید،که‏ کارآئی بیشتر از جمله شروط آن است، آماده جذب در سایر صنایع شوند.البته‏ پرداخت بیمه بیکاری توسط تامین‏ اجتماعی در حدی نیست که دیگران را تشویق به رها کردن کار بنماید،که هم از مزایای تامین اجتماعی استفاده کنند و هم با استفاده از کارهای کاذب و پنهانی کسب‏ درآمد بیشتری کنند و موجب اخلال در بازار کار شوند.

این صنایع را رومانی در بورس‏ سرمایه‏گذاری خارجی آن کشور جهت‏ خصوصی‏سازی و بازسازی با سرمایه‏ خارجی به مزایده گذاشته هر سرمایه‏ گذاری که حجم سرمایه‏گذاریش بیشتر باشد برنده مزایده خواهد بود.

بعد از اینکه صنعت به کمک خارجیها بازسازی شد و به سوددهی رسید سهام آن‏ در بور ساوراق بهادار رومانی در اختیار عموم قرار خواهد گرفت.

در اینجا چند نکته قابل ذکر است‏ یکی اینکه وجود سرمایه‏گذار خارجی‏ موجب انتقال و تبادل دانش مدیریت بین‏ همتاهای خارجی و رومانیایی می‏گردد و بدون شک نیروی انسانی جدید باید طوری عمل کند که بتواند موسسه را روی‏ پای خودش نگه دارد.یعنی کارآئی خود را افزایش دهد.در غیر این صورت موسسه‏ برای همیشه تعطیل خواهد شد.قطعا تصمیم اولیه یعنی تعطیل کارخانه و جابه‏ جائی نیروی انسانی وجب نارضایتی‏ می‏شود ولی تجویز این داروی تلخ برای‏ بهبود وضع این صنایع غیر قابل اجتناب‏ است.برگردیم به وضع صنایع خودمان. بسیاری از صنایع دولتی و یا ملی شده ما با نیروی انسانی بیش از نیاز مواجه هستند تعداد زیادی از این نیروها را خانواده‏های‏ کم درآمد تشکیل می‏دهند که افزایش‏ کارآئی آنها در اثر آموزش می‏تواند به‏ افزایش درآمد مالی آنها کمک کند.به نظر می‏رسد اعمال سیاستی شبیه به رومانی‏ در این‏گونه صنایع می‏تواند مقرون به‏ صرفه برای تمام طرفهای ذی‏نفع باشد. بدین معنی که نیروهای ما زاد بر نیاز را تحت پوشش تامین اجتماعی قرار دهیم‏ و بدین وسیله این‏گونه صنایع را از نظر نیروی انسانی ما زاد و هزینه‏های مربوط به آن اقتصادی کنیم.در این راستا اگر به‏ نوعی همکاری با خرجی‏ها نیاز است‏ بهتر است از آنها کمک بگیریم.وقتی‏ چنین واحدهایی به سوددهی رسیدند.آن‏ را به بازار بورس منتقل کنیم که سهام‏ها توسط بخش خصوصی خریداری گردد.از طرف دیگر تامین اجتماعی با همکاری‏ وزارت کار از طریق آموزش این‏گونه‏ نیروهای جابجا شده آمادگی جذب آنها را در سایر رشته‏های صنعتی به وجود می‏آورد.بقدیهی است جذب این‏گونه‏ نیروها در صنایع مستلزم کارآئی بیشتر توام با وجدان کاری خواهد بود.به وجود آمدن این پدیده‏ها تقریبا حتمی است‏ زیرا آموزش خود به خود موجب ارتقاء وضعیت فکری و روحی آنها می‏شود.

این موضوع قابل ذکر است که به‏ بهانه عدم کارآئی کارگران را نباید مورد ملامت قرار داد.سیاست مدیریت باید به‏ گونه‏ای باشد که حس ابتکار و علاقه‏ کارکنان را به کار و محیط کاری برانگیزد. به علاوه پیاده کردن چنین برنامه‏ای باید طوری باشد که حد اقل تنش را ایجاد کند. مرحله دوم ابتکار یعنی جذب نیروی تازه‏ نفس و کارآئی فقط با همکاری بخش‏ خصوصی امکان‏پذیر است که بتواند سیستم را مبنای اقتصادی بچرخاند و آن‏ هم فقط با مدیریت صحیح میسر است.

از طرفی دیگر تربیت و آموزش این‏ نیروها توسط وزارت کار و تامین اجتماعی‏ سرمایه‏گذاری خوبی جهت ارتقاء کارآئی‏ و خلاقیت و ایجاد اعتماد به نفس در نیروی‏ انسانی و اشاعه داد در جامعه می‏باشد. انشا الله...

بهرام روان